



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۱/۰۳



م. اسحاق نگارگر

آیا میتوان پرنسیپ را تابع مصلحت و منفعت ساخت؟

من هنوز هم کودتا را دزدی قدرت میدانم



معمولاً برخی از اعمال که در آخرین تحلیل برای جامعه انسانی ضرر دارد به وسیله پرنسیپ های اخلاقی در اخلاق و قانون بسیاری از جوامع غیر اخلاقی و غیر قانونی انگاشته می شود. دزدی یکی از همین اعمال است حالا ممکن است حالت ها و شرایط خاص عمل دزدی را طوری ایجاب کند که به نفع یک فرد یا یک گروه باشد. چنانکه به طور مثال پس از انقلاب ناکام ۱۹۰۵ در رو سیه ستالین سردهسته گروه های بود که برای تأمین منابع مالی حزب بالشویک دست به سرقت بانک ها و دیگر منابع پولی می زدند و نام آنرا غصب انقلابی نهاده بودند و سرقت قطار سمیورسک به وسیله ستالین بسیار معروف است.

حالا از دید مصلحت و منفعت یک گروه یعنی حزب بالشویک این دزدی ها یا «غصب انقلابی» با منافع و مصلحت های یک گروه معین سازگار بود و به اصطلاح شرایط خاص برایش جواز قانونیت و مشروعیت میداد ولی اگر ستالین را به جرم این دزدی ها دستگیر و به اساس قانون حاکم و پرنسیپ های اخلاقی محاکمه می کردند آیا این تلقی ساده لوحانه در محضر جامعه نیز قابل قبول می بود که من برای امری خیر و به نفع دیگران دزدی می کردم و بنا بر این مصلحت بالاتر از پرنسیپ قرار می گیرد و قانون باید این استثناء را بپذیرد که اگر سرقت برای امری خیر بود باکی ندارد که در این صورت عمر معلمان اخلاق و قانون سازان در تشخیص نوع مصلحت ها می گذشت.

دزدی در قانون یک تعریف مشخص دارد و می گوید هرکس در دارایی یک فرد بدون رضای او و حکم قانون به اراده خود تصرف کند عملش دزدیست که قانون آن عمل را مجازات و اخلاق اجتماعی آنرا محکوم می کند.

اینجا مصلحت اصولاً مطرح نیست به همین دلیل جامعه "ژان و الزان" را در داستان بینوایان "ویکتور هوگو" مجازات میکند و کاری به مصلحتی که انگیزه سرقت شده است ندارد. حالا ممکن است این قانون غیر عادلانه باشد که من کاری با آن ندارم.

با این مقدمه بر می گردم به موضوع کودتا یا به اصطلاح جرمنی آن پوچ که اتفاقاً از دیدگاه لفظی نیز کودتا عملی پوچ است.

از تعریف آغاز می کنیم: دکشنری آکسفورد در تعریف کودتا می گوید: «غصب فوری و غیر قانونی قدرت از یک حکومت» می بینیم که این تعریف صحبت از «غصب فوری» و «غیر قانونی» می کند و معنایش این می شود که دکتاتور؛ بخشی از اردو و گروهی از روشنفکران هنگامی که مردم هیچ گونه آمادگی فکری؛ سیاسی و تجهیزاتی ندارند قدرت را به صورت غیر قانونی غصب می کنند و معمولاً با عدم تفاهم مردم رو به رو می شوند.

دو نوع کاملاً متمایز کودتا را میتوان از هم تفکیک کرد.

نوع اول اختلاف در میان قدرت های حاکم پیدا می شود به طوری که دوام حکومت را عملاً ناممکن می سازد بنا بر این عضوی از نظام حاکم قدرت را به زور تصرف می کند. چنانکه در افغانستان به گفته داود خان دیموکراسی سلطنت منجر به انارشیزم و بی نظمی شده بود و کودتای داود خان یک تغییر توسط عضوی از نظام حاکم بود که خوشبختانه با خونریزی همراه نبود و اگر نظام سلطنت به وسیله شورش سرنگون میشد یک تن از افراد نظام حاکم را زنده نمی گذاشتند چنانکه هنگام کودتای ثور نگذاشتند.

و اما نوع دوم که می توان آنرا کودتا های حزبی خواند در دوران جنگ سرد یعنی از سال های ۱۹۶۰ بدین سو معمول شد. جنگ سرد جهان را به دو اردوگاه تقسیم کرده بود که سردمدار بخشی از جهان اتحاد شوروی سابق بود و از بخشی دیگر امریکا و این دو ابر قدرت برای تصرف مناطق نفوذ با هم رقابت داشتند. "خروسچف" برای گذار از حالت پیش از سرمایه داری نظریه تازه ای قایل کرد که اگر احزاب چپ در کشورهای در حال رشد در اردو های نظام های حاکم نفوذ کنند و آن رژیم ها را با کودتا های نظامی سرنگون کنند و راه رشد غیر سرمایه داری (سرمایه داری دولتی) را دنبال کنند بدون گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم می رسند. صاحب منصبان اردوی افغانستان که در اتحاد شوروی تحصیل کرده بودند ماهیانی بودند که زود در این تور افتادند و در کودتای داود خان و کودتای حزب دیموکراتیک خلق هر دو همکاری کردند. مردم برای این کودتا ها آمادگی ذهنی و سیاسی نداشتند و با وجود اینکه حزب دموکراتیک خلق کودتای خود را «انقلاب برگشت ناپذیر ثور» می خواند نه تنها آن انقلاب برگشت پذیر شد که حامی خود را نیز با خود به «زباله دان تاریخ» افکند.

بعد از پایان جنگِ سرد در مصر کودتای عبدالفتاح الاسیسی بود که گفته می شود امریکا در آن دست داشت و در سال ۲۰۱۳ بر ضد حکومتِ انتخابی محمد مُرسی راه افتاد و با ختم جنگِ سرد کودتا هم دیگر از رونق افتاد و شاید روزی به کُلی ناپدید شود.

ممکن است حالاتِ خاص وجود داشته باشد که غصبِ غیر قانونی قدرت را توجیه کند اما این توجیه همان پرنسپ را تابع مصلحت و منفعتِ گروهی ساختن است ولی من هنوز هم به حکم پرنسپ کودتا را دُزدی قدرت می دانم ولی در این گونه موارد با مخالفان خود نیز سر جر و بحث ندارم. با عرضِ حُرمت نگارگر دوم نومبر ۲۰۱۹ برمنگهم

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

من هنوز هم کودتا را دُزدی قدرت میدانم

[i_negargar_coup_detat_dozi_qodrat_ast.pdf](#)